

بیانیه سه حزب کمونیست کارگری منطقه:

"صلح" خونین ترامپ و آینده مردم فلسطین

صفحه ۴

اطلاعیه های دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

صفحه ۵

پرونده خود را سیاه تر کردید!

صفحه ۵

به مناسبت درگذشت کارگر مبارز منصور کریمی

بیانیه نشست رهبران چهار حزب منطقه درباره تحولات فلسطین

صفحه ۶

بدون احمد بالدی طبقه کارگر میلیونها عضو از بهترین های خود

را هنوز خوب نمیشناسد و هنوز کم دارد

مصطفی اسدپور

احمد بالدی جوان ۲۱ ساله از تبار کارگری شهر اهواز نامی آشنا در شهر اهواز و در سراسر ایران به حساب میاید. بنا به مندرجات صفحه حوادث جراید احمد در ادامه کشمکش با ماموران شهرداری بر سر تخلیه دکه کوچکی که تنها منبع درآمد خانواده اش بود، خود را با بنزین به آتش کشید و سه روز بعدتر بر اثر شدت سوختگی صبح سه شنبه ۲۰ آبان در بیمارستان جان باخت.

خبر تراژدی مرگ احمد بالدی بسرعت با انعکاس وسیع در شبکه های خبری، اهواز و سراسر ایران را در بهت و همدردی فرو برد. جزییات بیشتر خبر مبنی بر هجوم دهها مامور شهرداری در مقابل مقاومت ناچیز احمد؛ رفتار خشن و وحشیانه ماموران در تحریک او کار را به شعله های آتش کشاند. انعکاس خبر و بازگویی روایت شاهدان عینی در همان ساعات اولیه چاره ای جز اقدامات فوری قضایی ار مرکز، و دخالت مستقیم تهران را باقی نگذاشت. شهردار برکنار شد. تعداد زیادی از مسئولان و ماموران درگیر در آستانه محاکمه بسر میبرند. هنوز از حرف و حدیث پرونده زیاد باقی است تا بتوان از خاتمه آن حرف زد.

احمد بالدی فرزند یک خانواده زحمتکش که همزمان با تحصیل، نان آور تامین معیشت خانواده، همینقدر از نام و نشان از حادثه بعد از شهر روز شنبه در پارک شهر اهواز، دیگر بیشتر از یک "کلیک" در

صفحه ۳

"دوستی غیر دوستانه در پوشش رفاقت"

پاسخی از سوی دو حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان به حزب حکمتیست

صفحه ۳

انتخابات در عراق و منتقدین دو حزب کمونیست

کارگری

خالد حاج محمدی

حکمتیست هفتگی: انتخابات پارلمانی عراق پایان یافت. اما این انتخابات و سیاست دو حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان مبنی به شرکت در آن، به بحثهایی در میان طیفی از جریانات و شخصیتهای چپ دامن زده است. منتقدین مدعی اند سیاست شرکت در انتخابات بیان چرخش و سازش دو حزب با جریانات بورژوازی و توهم پراکنی است. میگویند پارلمان و پالمانتاریسم راه تأثیر گذاری نیست و احزاب و جریانات قومی و ملیشیایی در عراق و کردستان عراق عملاً با رشوه دادن، تقلب و رأی خریدن و... کرسی ها را میان خود تقسیم کرده اند.

در یک کلام منتقدین دو حزب کمونیست کارگری کردستان و عراق را به سازشکاری و اتخاذ سیاست راست متهم میکنند. طیفی از فعالین کمونیست جویای نظر حزب حکمتیست (خط رسمی) شده اند. این نقدها را با رفیق خالد حاج محمدی، دبیر کمیته رهبری حزب، در میان میگذاریم و نظر حزب در رابطه با سیاست دو حزب در عراق را جویا شدیم.

خالد حاج محمدی: سیاست دو حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان عراق و اعلام شرکت در انتخاباتی معین با ارزیابی که از شرایط دارند، ادامه منطقی سیاست حزب و جریان ما است. در نتیجه نه سیاستی عوض شده است و نه اصولی کنار گذاشته شده و نه چرخشی انجام گرفته است. نقد چپ به این سیاست و ادعای "چرخش به راست" رفقای ما در عراق و کردستان از جانب این چپ، از طرفی بیان فاصله عمیق این چپ از سیاست روشن، اصولی و مارکسیستی و دخالتگرانه جنبش ما است و از طرف دیگر بیان رضایت این چپ به زندگی در حاشیه کشمکشهای اصلی سیاسی و ماندگاری در محیطی است که به آن عادت کرده و تصمیمی هم به ترک این محیط "امن" ندارد، امری که درد قدیمی و تاریخی چپ خرده بورژوازی و حاشیه نشین است که به آن خواهیم پرداخت.

دو حزب کمونیست کارگری در عراق و کردستان طی بیانیه ای رسماً اعلام کرده اند پارلمان و سیستم پارلمانتاریستی، راه ما برای کسب قدرت و خلع ید از بورژوازی و الغای کار مزدی، بعنوان استراتژی یک حزب کمونیستی، نیست. اعلام کرده اند راه به قدرت رسیدن طبقه کارگر و ما کمونیستها نه از کانال پارلمان و این سیستم که از کانال انقلاب کارگری برای سرنگون کردن ماشین دولتی بورژوازی، از جمله با پارلمان و سیستم پارلمانی

آزادی
برابری
حکومت کارگری

و تاخیر در کار رفقای ما نبود و علاوه بر شرکت رفقای ما در پروسه سیاسی انتخابات و استفاده از تریبونهای انتخاباتی، تعدادی از رفقای ما به پارلمان را می یافت و در پارلمان عراق در مقابل فراکسیونها مرتجع شیعه، سنی، ناسیونالیست عرب و کرد و شخصیتهايش، يك فراکسیون کمونیستی حضور میداشت، آیا جنبش کارگری و کمونیستی در عراق و کردستان و عراق و منطقه، زیان میدهد؟ آیا اگر در مقابل عبادی ها، مالکی ها، بارزانی ها و طالبانی ها، سمیر عادلها، نادیه محمودها، ابوظن ها، عثمان حاجی مرفها ها، خسرو سایه ها، نقده عثمانها، محسن کریمها و دهها شخصیت معتبر و با اتوریته و خوشنام کمونیست دیگر، حضور میداشتند و از آزادی زن، جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش، رفا عمومی و آزادی های وسیع سیاسی، مقابله با فقر و گرانی و تأمین بیمه بیکاری و حقوق کودکان دفاع میکردند و پارلمان را به مرکز جدال دو قطب تبدیل میکردند و فضای جامعه را حول آن قطبی میکردند، جیش کارگری، جنبش حق زن و مردم محروم و ما و جنبش کمونیستی لطمه میخورد؟

تردیدی نیست ممکن بود در هر مرحله از انتخابات، بورژوازی عراق و کردستان و احزاب آن با مانع تراشی، راه یک جدال سیاسی آزاد و حضور رفقای ما در انتخابات و پارلمان را سد میکردند، تردید ندارم این جریانها، چه در عراق و چه در کردستان پتانسیل دست به اقدامات شنیع و حتی ترور و... را دارند و ابایی از انجام آنها ندارند، این واقعیت که هیچ بورژوازی برای هیچ کارگر و کمونیست و زن آزاده ای فرش قرمز پهن نمیکند، فرض ما است. بگذاریم از اینکه قبل از جریان مالکی و سودانی و بارزانی و طالبانی، چپ های منزله طلب، به جان دو حزب افتادند و میگویند بهلاست خود این پروسه را قطع کنید.

اینکه پروسه حضور کاندیدهای دو حزب در انتخابات و یا پارلمان تا کجا میرفت، روشن نیست اما هر درجه از این حضور به نفع ما میبود. به باور من حتی اگر این حضور قطع میشد و نیروهای بورژوازی برای رفقای ما مانع ایجاد میکردند، خود این امر باعث به راه افتادن جدالی جدی در جامعه میشد. کل این پروسه از ابتدای آن، به شرطی که ما همه جانبه و با قدرت واردش میشدیم تا انتهای آن و فرض خروج ما از پارلمان، جنبش کارگری و کمونیستی در این جامعه و احزاب ما نفع بزرگی میبردیم. این حضور و تبلیغ پلاتفرمی رادیکال و انسانی از تریبونهای فرا حزبی، تبدیل آن به محور جدالها و کمپینهای انتخاباتی، مرزهای عراق را می شکست و اعتبار هر دو حزب و جایگاه آنان به شدت بالا میرفت. باز تاکید کنم ممکن بود این پروسه از همان ابتدا، و حتی قبل از ورود رفقای ما به این مرحله و پارلمان، از جانب احزاب و جریانها در قدرت سد میشد و شاید در صورت انتخاب رفقای ما مانع ورود آنها به پارلمان میشدند، علیرغم این صرف حضور علنی و گسترده ما در مباحث و جدالهای دوره انتخابات در کردستان و عراق، در تقویت موقعیت اجتماعی کمونیسم و احزاب آن تأثیر جدی میداشت.

سوال این است با این وصف و در این شرایط معین، واقعاً سیاست تحریم و رضایت دادن به صدور بیانیه ای و نه گفتن با پز "رادیکالیسم" مناسب بود یا اتخاذ سیاستی فعال، شرکت در این پروسه و این جدال و استفاده از امکانی که برای بسیج حول یک پلاتفرم رادیکال خود بوجود آمده است؟

اما مشکل این چپ پندیده ای عمیق تر و تاریخی تر است. این چپ که نه اهل جدال رو در رو و شنا در بخش گود استخر است، نه خودش را در موقعیت تعیین سیاست در جامعه می بیند و نه رسالت اینکه روزی به قدرت نزدیک شود را برای خود قائل است، پشت فرمولهای رادیکال و منزله مخفی میشود تا زندگی آرام و "رادیکال" اش در حاشیه جامعه بهم نخورد. با این چپ بحث سیاسی و تئوریک و تحلیل اوضاع و تعیین تاکتیک مناسب، راه به جایی نمیرسد. این چپ از پیش تصمیم خود را گرفته است و وارد این میدان در سطح جامعه نمیشود و برای توجیه این موقعیت به هر چیزی اویزان می شود تا حاشیه نشینی و محصور ماندن در چهاردیواری تنگ خود را به عنوان تنها راه ممکن توجیه کند. لذا مکانیسم های جامعه، به دست گرفتن آن هر جا و در هر سطحی که ممکن است، کار علنی و استفاده از امکانات قانونی برای تقویت جنبش خود، برای این چپ عدول از پرنسیپها و باورهای خود ساخته، زیر عنوان "مارکسیسم"، است. این پندیده محصول شکست انقلاب بلشویکی و یکی از عوارض آن در سطح جهان است. پندیده ای که بورژوازی در سراسر جهان کوشید کمونیسم را از یک جنبش اجتماعی واقعی به جنبش محافل روشنفکری فرقه ای و غیر اجتماعی در حاشیه اتفاقات بزرگ سوق دهد و متأسفانه این سرنوشت بخشی از چپ شد. این عقب نشینی چنان به چپ جهان تحمیل شد و چنان عمیق است، که عده ای به زندگی در حاشیه جامعه، حاشیه جدالهای اصلی، حاشیه زندگی واقعی طبقه کارگر و مردم ستم دیده و معضلات و کشمکشهای آنان و البته با پرچم قرمز و خواندن "وردهای سوسیالیستی" مشغول اند و دنیایی برای خود ساخته اند که در آن احساس امنیت میکنند و فکر میکنند این همان دنیای واقعی است.

متأسفانه این نوع از ابراز وجود در چپ خرده بورژوازی ایران هم مستقل از نامربوطی آنها به کمونیسم و جنبش کمونیستی، به نوعی از فعالیت سیاسی تبدیل شده است. بخش بزرگی از نقدها به دو حزب کمونیست کارگری، منزله طلبی ها، داد و فریادها که این احزاب به راست چرخیده اند، مستقل از فرصت طلبی آنها، از این حقیقت نشأت گرفته است.

آن، است. اعلام کرده اند هدف آنها و تاکتیکی که اتخاذ کرده اند شرکت علنی در یک پروسه پر جدال سیاسی، حول یک پلاتفرم انسانی و انقلابی که منتشر کرده اند، در مقابل جنبش های بورژوازی و احزاب و پارلمان و قوانین آن در شرایطی معین است. در نتیجه برای هر مارکسیستی منجمله این دو حزب بیش از همه مدعیان "راست روی" دو حزب، مسلم است که حکومتهای پارلمانی چه در عراق و چه در دموکرات ترین کشورهای غربی، سیستمی ضد کارگری و ارتجاعی است و وظیفه آن حفظ اقتدار بورژوازی در قدرت از کاتال انتخابات و مشروعیت خریدن برای جامعه طبقاتی و حاکمیت بورژوازی به نام محصول انتخابات و "نماینده" مردم است.

در نتیجه تا به این پدیده برگردد، دو حزب در بیانیه خود و در ادامه در جواب به ادعاهای این چپ خیلی روشن گفته و نوشته اند. لذا "روشنگری" این چپ در این زمینه و پز "مارکسیست" و "رادیکال" گرفتن و نصایح "بزرگوارانه" و فخر فروشی آنها شوخی بیمزه ای بیش نیست و مایه تأسف است. راستش بخش عمده نقدهایی که دیده ام و شنیده ام، بهانه گیری کودکانه و فرصت طلبی محض است که اهداف معینی در لطمه زدن به جریان و جنبش ما را زیر عنوان کمونیسم و رادیکالیسم دنبال میکند که خود رفا جواب داده اند و ارزش پرداختن ندارد و نالازم و صرف وقت است.

صورت مسئله برخلاف ادعای منتقدین، مطلقاً پارلمان و درک مارکسیستی از ماهیت آن نیست، صورت مسئله مطلقاً ماهیت ارتجاعی و حتی میلیتاریستی نیروهای حاکم بر عراق و کردستان عراق نیست، اینها فرض است. چند دهه است این دو حزب با این حاکمیت در جنگ و جدال اند. کشفیات و افشاگری های سطحی که این چپ در این زمینه رو به حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان و به اصلاح برای نقد آنها بکار میبرد، نصایحی که در این زمینه میگویند و بخشا در سوال هم آمده است، مایه خنده است. معلوم است این احزاب با تاریخی سیاه که دارند از هر ابزاری برای ماندگاری و کسب کرسی بیشتر استفاده میکنند، تقلب و حقه بازی، فضا سازی و تلاش برای فریب و وعده دروغ برای گرفتن رأی و حتی خریدن رأی میدهند. امروز نه تنها در عراق که حتی در انگلستان و آمریکا در فرانسه و بسیاری از کشورهای مهد دموکراسی ما شاهد اقداماتی از این نوع هستیم.

حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان در شرایط معینی با توجه به امکان شرکت شان در پروسه انتخابات، شرایطی که کسی مانع شرکت آنها در انتخابات، معرفی کاندیداها و دخالت فعال آنها در یک کارزار معین به نام انتخابات نیست، اعلام کرده اند در این انتخابات شرکت میکنیم و حضور در جدالهای سیاسی ایندوره حول پلاتفرم خود را به نفع مردم و جنبش خود میدانیم.

دو حزب اعلام کرده اند در پروسه ای که جامعه حول پدیده انتخابات و آینده و سرنوشت جامعه قطبی میشود، در شرایطی که احزاب بورژوازی بی ابروتر از همیشه هستند و نفرت از آنان در جامعه موج میزند، ما از این امکان برای معرفی خود، معرفی و تبلیغ برنامه سیاسی خود، نقد خود به بنیادهای سیستم حاکم و از جمله پارلمان و احزاب حاکم و معرفی رهبران و شخصیتهای خوشنام خود استفاده میکنیم و پرچم حقوق و مطالبات واقعی طبقه کارگر، زنان و بخش محروم جامعه را در مقابل پلاتفرمهای ارتجاعی، اساساً قومی و مذهبی، احزاب دیگر بلند میکنیم و مردم را به متحد شدن حول این پلاتفرم و حزب و شخصیتهای کمونیست آن دعوت میکنیم و مردم را بسیج میکنیم. دو حزب اعلام کرده اند که از این امکان و از فضای انتخابات و جدال رو در رو با سایر احزاب و بویژه احزاب حاکم، استفاده میکنیم و به نقد احزاب بورژوازی و پروژه ها و وعدهای دروغین و ریاکاری و ضدیت آنها با منافع اکثریت عظیم جامعه میپردازیم. اعلام کرده اند به جامعه نشان میدهم که عراق و کردستان تنها محل تاخت و تاز نیروهای بورژوازی قومی، مذهبی و مرتجع و ضد کارگر و احزاب و شخصیتهای آنها نیست. نشان میدهم که کارگر و کمونیست و حزیش با سیاست مستقل خود، سعی میکند علاوه بر دخالت در جدال روزمره این اکثریت برای رفا، آزادی، برابری و امنیت، از این امکان برای تقویت جنبش خود استفاده کند تا نیروی کارگر و مردم محروم را حول یک پلاتفرم خلاف جریان و رادیکال جمع کند، میباید و جلسات مختلف برگزار کند، برای عدالت و برابری و "سته" گفتن به سیستم حاکم در میدان شهر و کارخانه و مدرسه به جنگی علیه نظم حاکم دامن بزند، شخصیتهای خود و رهبران واقعی جامعه را زیر نورافکن قرار داده و در دید جامعه قرار دهد و در میدان عمل و در یک جدال بزرگ بکوشد سنگت بورژوازی را شکست و راه حل خود را برجسته و مردم را حول آن متحد کند. استفاده از شرایط انتخابات برای تقویت جنبش خود برنامه و جهت رفقای ما بوده است و حال عده ای نصیحت میکنند که این "عدول" از پرنسیپهای کمونیستی و... است، راست روی است و تحریم کنید!

متأسفانه به دلیل تأخیر و اشتباهات رفقای ما در پروسه ثبت نام و امکان عملی شرکت و معرفی نمایندگان دو حزب مقدور نشد، اما فرض کنید این اشتباه

«دوستی غیر دوستانه در پوشش رفاقت»

پاسخی از سوی دو حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان به حزب

حکمتیت

در تاریخ ۴ نوامبر ۲۰۲۵، حزب حکمتیست نامه‌ای درون‌سازمانی به رهبری دو حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان ارسال کرده است. در این نامه گویا آنها، مجموعه‌ای از نقدها، ملاحظات و پیشنهادهای به‌اصطلاح «صمیمانه» و «دلسوزانه» را در خصوص تاکتیک حزب ما برای مشارکت در انتخابات پارلمانی عراق مطرح کرده و خواستار آن شده بودند که نامه‌شان در اختیار اعضای کمیته مرکزی هر دو حزب قرار گیرد.

سه روز بعد، آقای رحمان حسین‌زاده در گفت و گویی عمومی، حمله‌ای «صمیمانه»! علیه هر دو حزب آغاز کرد و هم زمان بخشی از همان نامه را منتشر نمود. در این پاسخ، به‌طور خلاصه به نامه و رویکرد فرصت‌طلبانه و غیرصمیمانه آنان پرداخته و سپس، پاسخ سیاسی و رسمی خود را به بند به بند بحثهای پرت سیاسی آنها بصورت کامل خواهیم داد.

۱- نامه‌ی آنان به تاریخ ۴/۱۱/۲۰۲۵ نگاشته شده و همان روز، دریافت آن را به اطلاع آنها رسانده و وعده دادیم که در نخستین فرصت به آن پاسخ داده میشود. در تاریخ ۶/۱۱ در نشست روتین دفتر سیاسی، درباره‌ی آن نامه گفت‌وگو شد و تصمیم گرفتیم ضمن تهیه‌ی پاسخ، آمادگی خود را برای نشستی مشترک، چنان‌که در نامه در خواست کرده بودند، اعلام کنیم.

در روز ۷ نوامبر پاسخ آماده‌ی ارسال بود که آگاه شدیم بخشی از نامه‌ی مذکور را خودشان منتشر کرده‌اند. از این‌رو، ارسال پاسخ دیگر ضرورتی نداشت و انجام نگرفت.

۲- اگر واقعاً نیت آنان «صمیمانه» و مسئولانه بود و نامه را در چارچوب ارتباطات درون‌سازمانی به رهبری دو حزب فرستاده بودند، بدیهی است که این مسئله در حیطه‌ی مسئولیت رهبری دو حزب قرار دارد که در چه سطحی آنرا در اختیار صفوف خود قرار میدهند یا نمیدهند.

اما اقدام آنان در تلاش برای تحریک کمیته مرکزی علیه دفتر سیاسی، تحت پوشش «دوستی و رفاقت»، اقدامی ناپسند و ناسالم است. چنین محاسبه‌ای اشتباه است، زیرا موضوع مورد بحث پیش‌تر در پلنوم طرح شده و کمیته‌های مرکزی هر دو حزب از این ترفندها آگاه‌تر و منسجم‌تر از آن‌اند که بتوان آنان را علیه دفتر سیاسی تحریک یا در صفوف رهبری تفرقه ایجاد کرد. بی‌گمان، این‌گونه تلاش‌ها پیش‌تر نیز انجام شده و هیچ دستاوردی برای آنان نداشته است.

۳- آنان مدعی‌اند که نامه‌شان رقیقانه و در چارچوبی دوستانه و «صمیمانه» نوشته شده است؛ اما هم‌زمان، پیش از آنکه حتی پاسخ ما را دریافت کنند، طبق عادت همیشگی‌شان، کارزار تبلیغاتی خود را در شبکه‌های اجتماعی آغاز کرده و با کادربهای حزبی تماس گرفته‌اند. این روش نمتنها غیراخلاقی و ناسالم است، بلکه کاملاً برنامهریزی‌شده و حساب‌شده بوده و نشان می‌دهد که نامه‌ی «دلسوزانه» شان در واقع مقدمه‌ای برای یک کمپین خصمانه علیه دو حزب بوده است. اقدامات بعدی آنان نیز گواهی روشن بر این واقعیت است. اگر نامه‌ی شما واقعاً دوستانه، درون‌سازمانی و خطاب به رهبری دو حزب بوده است، پس چرا حتی پیش از دریافت پاسخ ما، آن را منتشر کردید؟

۴- اگر نقد و بحث سیاسی دارید، کسی مانع بیان آن نیست. ما هیچ مشکلی نداریم که علنی نقدها و دیدگاه‌های خود را مطرح کنید، و ما نیز به‌صورت سیاسی و مسئولانه پاسخ خواهیم داد. این شیوه بسیار منطقی‌تر و محترمانه‌تر است از آنکه در پوشش «رفاقت»، اهدافی دیگر را دنبال کنید. اما وقتی حتی منتظر پاسخ نمی‌مانید و هدف اصلی‌تان انتشار نامه و مواضع خود بوده است، در آن صورت چه نیازی به ارسال نامه درونی، پیشنهاد گفت‌وگو و درخواست نشست داشتید؟ این رفتار نه کمونیستی است، نه سیاسی، نه سالم و نه مسئولانه.

۵- این نخستین بار نیست که شما در قبال این دو حزب با چنین رویکرد نادرستی عمل می‌کنید. با وجود هشدارهای پیشین ما برای پرهیز از این شیوه، اکنون به‌روشنی ثابت شده است که شما به‌دنبال رابطه‌ای صادقانه و رقیقانه با ما نیستید. این رفتار بیش از پیش نشان می‌دهد که شما قابل اعتماد نیستید، زیرا هر نامه‌ای از سوی شما ممکن است در واقع پوششی برای کمپینی برنامهریزی‌شده علیه دو حزب ما باشد.

۶- این نوع برخورد شما با ما نشان می‌دهد که فاصله‌ی میان ما و شما صرفاً اختلافی سیاسی نیست؛ بلکه در عین حال، شکافی عمیق در فرهنگ سیاسی،

اصول مبارزه شفاف و روابط حزبی نیز میان ما وجود دارد.

۷- با توجه به اینکه شما نامه‌ی به‌اصطلاح «درون‌سازمانی» خود را منتشر کرده‌اید، ما نیز پاسخ خود را در سطح عمومی برای آگاهی همگان منتشر می‌کنیم.

دبیرخانه‌ی دفتر سیاسی

حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان

۱۱ نوامبر ۲۰۲۵

مصطفی اسدپور

بدون احمد بالدی طبقه کارگر ...

صفحات اینترنتی را لازم نداشت تا به یک چهره آشنا برای مردمانی بیشمار از دور دستها تبدیل بشود، و جان بگیرد. خبرنگار روزنامه «آرمان ملی» از جمله اغلب رسانه‌ها در باره احمد، زندگی و مرگ او به اهواز به زیر ساخت های از دست رفته، به فقر و بیکاری، به عقب ماندگی استان نفت خیز و ثروتمند، عفلت از نیروهای بومی، مدیریت ضعیف در راس امور و البته به شهردار خاکی در ضعیف کشی و به فقر و بی عدالتی میپردازد. با حذف شش مورد تکرار نام احمد بالدی؛ کل سه ستون نوشته روزنامه کماکان در مرثیه پر سوز و گداز برای خوزستان و اهواز در بدببیری مقامات محلی و مرکزی از دست گل شهردار با همه تکررات لازم؛ و در عین حال تقدیر از دولت و قوه قضائیه در مدیریت حادثه قابل چاپ است.

احمد بالدی اگر کسی است دقیقاً نه بخاطر تصویری است که از او منعکس میشود. برای آنها شرکای سوگواری چند روز گذشته، همانقدر که او در حاشیه به درد خود مشغول بود، یک شهروند خوب محسوب شده است. این جامعه از بیان صریح فقر و نابرابری و فساد و دزدی همانقدر که در دست مدیران خوب در صدد تغییر باشد مشکلی ندارند. در گزارشات مفصلی را میشود نام برد که گناه مرگ احمد بالدی به پای خاموشی مردم اهواز وعدم تظاهرات های ضد حکومتی گذاشته شده است. در هر حال، در مخرج مشترک، میتوان سر و ته همگی را در صبر عمومی مردم در انتظار ظهور شهردار بهتر و بومی، رئیس دولت بهتر، اقتصاد شکوفاتر خلاصه کرد. این همان تفاوتی است که خاک میباشند و بیشتر بیرون میزنند.

احمد بالدی منتظر نشد، قانع نشد، تن نداد، از سالهای سال تهدید و خط و نشان نهراسید. او در مقابل وحشی ترین نیروی سرکوب، باندهای شهرداری، که زیر نظر و حمایت فعال و بیدریغ تک تک همین مقامات ضعیف ترین بخش جامعه را لگدمال میکنند، ایستاد، مقاومت کرد. عالی جنابان پشت دلجویی ارزان فریبکارانه فقط خود را گول میزنند در حالیکه دست جمعی شان در انطباق با درس مافیا مسلکی ماموران دست نشانده را از صحنه بدر میبرند؛ حرف مفت دهان آژان کلانتری میگذارند، صحنه قتل را با یک قوطی بنزین و یک بسته کبریت ماست مالی میکنند. روزنامه نگار آرمان ملی شاهد است و تاریخ و تاریخچه میتراشد... میپرسیم: ماموران در پس جملات مکرر انتظار داشتند که خانواده احمد برای تامین معاش به کجا و چه کسی پناه ببرد؟ هزاران احمد دیگر در همان شهر، روزهایی با دست خالی این مقامات و چماقداران شهرداری را در کدام جهنم دره میتوان سراغ گرفت؟

احمد بالدی در همه گوشه و کنار این جامعه در دل تبار کارگری جامعه شاهد زنده و مسلم برای ایستادگی در مقابل همه مظاهر جامعه ای بود که از آن فقط چرگ و خون و کثافت و تزویر میبارد. میخواهید احمد را بشناسید، به دور و بر خود نگاه کنید!

چند نفر را میشناسید که برای یک حقوق و امنیازات ناچیز به مجیز گویی اقتدار و مقامات و به مهملات دفاع از حکومت اسلامی تن داده اند؟ چند نفر را میتوانید سراغ بگیرید که زیر فشار این شرایط امیدشان را از کف داده اند، چند نفر را میشناسید که خیر دنیا و عاقبت را بخشیده، صوفی و درویش و معتاد را برگزیده و با در توجیه بدبختی خود برای زمین و آسمان نسخه تسلیم میپيچند؟

ما کارگران جان باختگان خود را در هاله خرافات و اوراد مذهبی نمی پیچیم. احمد برای سربلندی و شرافت کارگری یک سرمشق بود. جای او در جبهه توده بزرگتری از خانواده بزرگ کارگری در تلاش برای شناخت و اتحاد و همبستگی در تلاش هستند در همان شهر اهواز همیشه خالی است.

۲۲ آبان ۱۴۰۴

بیانیه سه حزب کمونیست کارگری منطقه:

"صلح" خونین ترامپ و آینده مردم فلسطین

پس از دوسال نسل کشی مردم فلسطین و نابودی کامل نوار غزه توسط دولت فاشیست اسرائیل با همکاری و حمایت‌های همه جانبه دولتهای غربی و در راس آنان دولت امریکا، ترامپ با طرح بیست ماده ای "صلح و پایان جنگ" مدعی طراح صلح در غزه و ناجی مردم فلسطین شد.

طرح "صلح" ترامپ و سپس "پیمان صلح شرم الشیخ"، حمایت بی قید و شرط دول غربی شریک جرم اسرائیل، حمایت دولتهای مرتجع جهان عرب و روسیه و چین و... در دستگاه تبلیغاتی و میدیای رسمی، بعنوان نقطه عطفی در پایان دادن به جنایت دولت اسرائیل و تنها راه نجات مردم فلسطین از نسل کشی در بوق و کرنا شد.

بی شک برای چند میلیون انسان محاصره شده در قتلگاه غزه که بیش از دو سال زیر یکی از مخوف ترین بمبارانهای ماشین کشتار جمعی دولت اسرائیل شب را روز میکنند، قطع حتی یک روز کشتار هم غنیمت و فرصتی برای نفس کشیدن است. بی شک میلیونها میلیون انسان صلح طلب و انسان دوست در سراسر جهان از هر طرح و پیمانی که کشتار جمعی مردم فلسطین را، هرچند موقت، متوقف کند، استقبال میکنند. همزمان نه مردم فلسطین و نه مردم بشردوست و آزادیخواه در جهان فریب هیاهوی تبلیغاتی عاملین، طراحان و حامیان این نسل کشی را نخواهند خورد و این طرح را نه راهی برای توقف نسل کشی و پایان اشغال و جنایات دولت اسرائیل، که صرفا وقفه ای کوتاه مدت در سیر کشتار مردم فلسطین میدانند.

طرح بیست ماده ای ترامپ اساساً راهی برای خروج اسرائیل از بن بست و انزوا و شکست سیاسی و نظامی آن، برای تبدیل این شکست به پیروزی بر متن بی حقوق کردن کامل مردم فلسطین نه فقط در تعیین سرنوشت خود که در مقاومت علیه اشغالگری است. تلاشی برای منحرف کردن توجه جهانیان به جنایات اسرائیل که دست کمی از جنایات نازی های آلمان در جنگ جهانی دوم ندارد و پنهان کردن چهر فاشیسم اسرائیل است. سناریویی که با توقف محدود و موقت کشتار مردم فلسطین، به اسارت و بی حقوقی مطلق و همیشگی آنان رسمیت میدهد. طرحی که آبرو خربین برای دولت امریکا و نجات تمام دول حامی اسرائیل از زیر فشار جنبشی عظیم و جهانی حمایت از مردم فلسطین، که مهر خود را بر فضای سیاسی-اجتماعی این دوره زده است، را در دستور خود دارد.

این طرح ارتجاعی خلع سلاح همه نیروها، نه فقط حماس، تحت عنوان "غیر نظامی" کردن نوار غزه را پیش شرط خروج اسرائیل از نوار غزه میداند و همزمان به دولت اسرائیل حق وتوی کامل در مورد مقادیر اجرایی طرح را میدهد. این طرح شناسایی قدس (اورشلیم)، بعنوان پایتخت اسرائیل، را توسط نیروهای فلسطینی، شناسایی اسرائیل به عنوان دولت یهودی، شناسایی مرزهای جدید اسرائیل، توقف مستمری خانواده های کشته شدگان و اسرای دربند فلسطینی توسط دولت خودگردان و شستشوی مغزی کودکان فلسطینی، بعنوان "توقف تحریک در متون آموزشی فلسطینی" را شرط صلح میداند.

طرح بیست ماده ای با سلب حق دفاع از خود و مقاومت علیه دولت اشغالگر اسرائیل حتی در ذهن کودکان فلسطینی و جنایی کردن آن تحت عنوان "تبدیل غزه به منطقه ای عاری از افراط گرایی و تروریسم" و "تضمین امنیت منطقه"، با تضمین خلع سلاح دائمی مردم فلسطین، با تضمین استقرار نیروی نظامی و هیاتی برای حاکمیت در نوار غزه به رهبری یک جنایتکار جنگی و "قصاب عراق"، زیر کنترل دولت امریکا، رسماً تشکیل دولت مستقل فلسطین و حق مردم فلسطین در اعمال حاکمیت بر سرزمینها و سرنوشت خود را سلب میکند. در مقابل دست دولت فاشیست اسرائیل را در کشتار مردم فلسطین، در نوار غزه و کرانه باختری، در اشغال مناطق بیشتر در کرانه باختری، در سرکوب و ادامه آپارتاید نژادی علیه مردم فلسطین و... را کاملاً باز گذاشته و هر نوع مقابله با این اشغالگری را بعنوان "تروریسم" و "به خطر انداختن امنیت اسرائیل" قابل سرکوب میداند.

این طرح قرار است بر متن تهدیدها و عربده کشی های ترامپ و نتانیاهو و معامله با دول ارتجاعی عربی به مردم فلسطین تحمیل شود. طرح بیست ماده ی ترامپ ادامه طرح "پیمان ابراهیم" و حذف حل مسئله فلسطین در شرایط نامناسب تر به مردم فلسطین و همزمان طرحی برای تثبیت موقعیت اقتصادی، سیاسی و نظامی امریکا در منطقه با موقعیت تقویت شده و هژمون اسرائیل و تحقق اهدافی است که اسرائیل علیرغم دو سال جنگ قادر به دستیابی به آنان نشد.

با گذشت نزدیک به یکماه از "توافق شرم الشیخ" و برقراری "آتش بس" و تبادل اسرا و ..، بمباران و کشتار مردم فلسطین حتی یک لحظه هم متوقف نشده است. کمک رسانی به مردم در نوار غزه با کارشکنی و ممانعت های دائمی دولت اسرائیل روبرو میشود. نزدیک به یکماه است که صدها هزار تن کمکهای انسانی، از آب و مواد غذایی تا وسائل بهداشتی و پزشکی مورد نیاز مردم پشت دروازه رفح در انتظار اجازه ورود به نوار غزه را از طرف دولت فاشیست اسرائیل، به سر میبرند. در بخش باختری تعرضات هر روزه اسرائیل و شهرک نشینان صهیونیست به ساکنین فلسطینی بدون یک لحظه توقف کماکان ادامه دارد و دولت اسرائیل سیاست ضمیمه کردن کرانه باختری به اسرائیل حتی در پروسه "صلح" را آشکارا اعلام کرده است.

امروز مردم جهان به این واقعیت که دولت فاشیست اسرائیل، جنگ طلبی و ماجراجویی ها نظامی او عامل اصلی نا امنی و گسترش تروریسم در منطقه است، پی برده اند. جنبش جهانی حمایت از مردم فلسطین در مقابل این ادعا که به نام "امنیت اسرائیل"، ترور و بمباران کشورهای مختلف در منطقه و از جمله لبنان و تهدید حمله نظامی به کشورهای دیگر از جمله ایران، بعنوان بخشی از پروپاگاند جنگی اسرائیل و متحدین آن، برای آزادی مردم فلسطین و کوتاه کردن دست همه قدرتهای ارتجاعی از زندگی آنان تلاش میکنند.

این طرح ارتجاعی، علیرغم توافق و معامله گری قدرتهای ارتجاعی جهانی و منطقه ای، راه به جایی نخواهد برد. نه بدلیل مقاومت دول ارتجاعی عرب یا مقاومت حماس و سایر نیروهای در فلسطین، که بدلیل مقاومت مردم فلسطین که ۷۷ سال است در مقابل اشغالگری دولت اسرائیل و حامیان غربی او ایستاده اند و علیرغم جنگ و کشتارهای زنجیره ای دولت اسرائیل سر فرود نیاورده اند و امروز هم تسلیم اسرائیل و امریکا با یا بدون این طرح نمیشوند. مقاومت در مقابل دولتی اشغالگر، مبارزه برای بدست گرفتن سرنوشت خود و اعمال حاکمیت بر زندگی خود طبیعی ترین و ابتدایی ترین حق مردم فلسطین است.

خواست فوری مردم فلسطین و جنبش جهانی حامی فلسطین، روشن و شفاف است.

آتش بس فوری و بی قید و شرط در نوار غزه

خروج کامل و بی قید و شرط ارتش اسرائیل از نوار غزه و کرانه باختری

تامین فوری مسکن، امکانات زیستی، پزشکی، بهداشتی و باز شدن تمام راههای کمک رسانی به مردم در نوار غزه

آزادی همه گروگانهای فلسطینی در زندانهای اسرائیل

عقب نشینی کامل ارتش اسرائیل به مرزهای تعیین شده در توافقات اسلو

پایان شهرک سازی ها در کرانه باختری

بازسازی کامل غزه و شهر و روستاهای فلسطین

سپردن سرنوشت فلسطین بدست مردم فلسطین

بر رسمیت شناختن فوری و بی قید و شرط دولت مستقل فلسطین

حل مسئله فلسطین در گرو کوتاه کردن دست ارتجاع بین المللی، دول مرتجع جهان عرب و منطقه و ممنوع کردن هر نوع معامله و بند و بست آنها بر سر نوشت مردم فلسطین است. این طرح ارتجاعی همزمان قادر به تضعیف جنبش جهانی حمایت از مردم فلسطین، تحمیل سکوت و انتظار به آن نیست. این جنبش که طی این دوسال نه فقط چهره کریه دول غربی، پارلمان و احزاب سنتی، سازمان و نهادهای تابعه آن را بر ملا کرد که بشریت متمدن و محروم جهان را حول دفاع از مردم فلسطین، علیه جنگ و میلترایسم، علیه استبداد و بی حقوقی متحد کرده است، راه پیشروی خود را باز خواهد یافت.

نه قومی نه مذهبی زنده باد هویت انسانی

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

پرونده خود را سیاه تر کردید!

پس از انتشار فایل‌های سلسله برنامه آموزش درونی پژاک تحت عنوان "تاریخ کردستان" در میدیای اجتماعی و زیر فشار نقد نیروها و شخصیت‌های سیاسی به پرونده سازی امنیتی عضو رهبری این جریان علیه نیروهای سیاسی در کردستان، پژاک ناچار به انتشار اطلاعیه ای شد.

اطلاعیه انتشار فایل‌های ۱۵ سال پیش را به افرادی "با نیت تخریبی و ایجاد آشوب" منتسب میکند و دست به توجیه پرونده سازی و ترهات عضو رهبری خود علیه نیروهای سیاسی میزند، و مهمتر اینکه در مقام نیرویی که برای "وحدت ملی و انسجام نیروهای کوردی" از هیچ "تلاش قهرمانانه ای" دریغ نکرده است، بعنوان طلبکار خواهان برخورد مسئولانه نیروهای سیاسی، به طبع پژاک، در راستای این "اتحاد مقدس" و مقابله با "توطئه دشمنان این اتحاد" میشود.

پژاک به سبک نیروهای ناسیونالیست کرد در مقام قربانی ظاهر میشود و مدعی است این پرونده سازی در دوره ای صورت گرفته که این باند ارتجاعی "زیر حمله و فشار" قرار داشته است. پژاک تلاش میکند با مخفی شدن زیر "خون رفقای شهید" و "رفقای شکنجه شده" اش، مخالفین خود را به سکوت بکشاند. گویی "زیر فشار" بودن مستمسکی برای پرونده سازی امنیتی علیه مخالفین سیاسی خود و از نظر سیاسی امری مجاز و قابل توجیه است و تعداد کشته شدگان و زندانیان اش دلیلی کافی برای سکوت در مقابل پرونده سیاه این جریان از بدو تاسیس آن است. این سنت عقب مانده و شناخته شده ناسیونالیسم کرد، مظلوم نمایی و تحریک احساسات "شهید پروری" و باجگیری سیاسی از نیروهای سیاسی با اتکا به تعداد "شهید" امروز دیگر در جامعه متمدن کردستان و نیروهای سیاسی متمدن و مدرن خریداری ندارد. البته در این میان دادن مدال نیروی اجتماعی، پر نفوذ و پیروزمند به خود را فراموش نمیکند و میگویند: "ما آن مرحله را با تلاش رفقا، حمایت هواداران و مردمان پشت سر گذاشتیم و سیاست‌های تخریبی علیه حزب و ارزش‌های ما شکست خوردند".

یک جریان سیاسی جدی و اجتماعی قاعدتا به جای توجیه این پرونده سازی کثیف، نه فقط آنرا بطور جدی نقد میکرد که مدرس این ترهات را فوری از مقام خود خلع میکرد. اما چنین انتظاری از پژاک نه درست و نه واقعی است. اطلاعیه اخیر پژاک و توجیهات و طلبکاری بیش‌رمانه آن از نیروهای سیاسی نمونه دیگری از هویت فرقه ای و ضداجتماعی این باند است.

مستقل از اینکه چه نیروهایی به دام پژاک افتاده و سیاست مماشیت جویانه خود با این باند را پشت ضرورت "مقابله با توطئه های جمهوری اسلامی علیه اتحاد نیروهای کردستان" مخفی میکنند و پشت درهای بسته مشغول چه دیپلماسی هستند، کمونیستها، طبقه کارگر و مردم آزادیخواه این پرونده سازی و توجیهات بیش‌رمانه پژاک در دفاع از آن را به پرونده سیاه پژاک در تقابل با مردم، با آرمانها و مبارزه از ادیخواهانه خود اضافه میکنند.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۱ نوامبر ۲۰۲۵

کارگران کمونیست

حزب حکمتیست (خط رسمی)، سنگر اتحاد

طبقاتی و تشکل حزبی شما است.

به این حزب بپیوندید!

ما سه حزب کمونیست کارگری در منطقه یک بار دیگر تاکید میکنیم که هیچ صلعی در فلسطین بدون متوقف کردن ماشین کشتار اسرائیل و برسمیت شناختن دولت مستقل فلسطین ممکن نیست. مردم فلسطین بدون حل این معضل هیچ زمانی زندگی ای امن نخواهند داشت و امنیت به خاورمیانه برنخواهد گشت. ما تاکید میکنیم که تنها حامی واقعی مردم فلسطین برای پایان اشغال، آوارگی و کشتار، طبقه کارگر جهانی، مردم متمدن و انسان دوست و جنبشی است که دو سال است در سراسر جهان علیه اسرائیل و شرکایش به راه افتاده است. جنبشی که به صف بندی ها و پلاریزاسیون عمیق در سیاست جهان شکل داده است.

ما به همراه مردم متمدن جهان، همراه سازمان و نهادهای کارگری برای تقویت این جنبش و برای فشار حداکثری بر اسرائیل و روسای جنگ طلب آن، برای ایست دادن به ماشین جنگی آن و شرکا و حامیان او میکوشیم. جنبش جهانی دفاع از مردم فلسطین امروز با تعمیق خود نه تنها پایان جنگ و جنایت و اشغال و آزادی مردم فلسطین و تامین حق آنها در تشکیل کشور مستقل خود که بعلاوه پایان میلیتاریسم، پایان مسابقات تسلیحاتی و تامین رفاه و زندگی انسانی و مرفه و سد بستن در مقابل تعرضات نظامهای کاپیتالیستی به زندگی خود و دفاع از دستاوردهای بشر را در دستور خود گذاشته است. ما همه جانبه برای تبدیل طبقه کارگر آگاه به ستون فقرات و رهبری این جنبش میکوشیم.

حزب کمونیست کارگری عراق

حزب کمونیست کارگری کردستان

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۰ نوامبر ۲۰۲۴

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

به مناسبت درگذشت کارگر مبارز منصور کریمی

با کمال تاسف فراوان صبح امروز سه شنبه ۲۰ آبان ماه، کارگر مبارز و آگاه، منصور کریمی از پیشروان و فعالین کارگری شهر سنندج و عضو هیئت مدیره "اتحادیه آزاد کارگری" بر اثر سکته قلبی و به دلیل کمبود امکانات و رسیدگی پزشکی در بیمارستان توحید شهر سنندج جان باخت. مراسم خاکسپاری این فعال کارگری و خوشنام با حضور تعداد کثیری از فعالین کارگری و فعالین دیگر جنبشهای اجتماعی و مردم مبارز و آزادیخواه شهر سنندج برگزار شد و پادش را گرمای داشتند، همخوانی سرود انترناسیونال توسط حاضرین، این سرود همبستگی و هم سرنوشتی جهانی کارگران، جلوه دیگری به این مراسم داده بود و بار دیگر مردم آزادیخواه شهر سنندج با حضور پر شور خود و با پرچم های سرخ و سخنرانی هایی در همبستگی طبقاتی کارگران و اعلام جرم علیه نظام طبقاتی سرمایه داری، اعلام کردند که تمامی کارگران در سراسر دنیا هم سرنوشت اند، کارگر بودن قوم، ملیت، رنگ و مرز و بوم نمی شناسد. خاکسپاری منصور کریمی به صحنه تجدید پیمان رفقای با آرمان های آزادی، برابری و سوسیالیسم بدل شد و یاد این عزیز در دل جنبش کارگری زنده خواهد ماند.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) از صمیم قلب درگذشت این فعال کارگری را به همسر، فرزندان، تمامی خانواده و همچنین دوستان، همزمان ایشان و طبقه کارگر ایران تسلیت گفته و خود را در غم و اندوه آنان شریک میداند.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۰ آبان ۱۴۰۴

۱۱ نوامبر ۲۰۲۵

بیانیه نشست رهبران چهار حزب منطقه درباره تحولات فلسطین

در تاریخ ۸ آبان ۱۴۰۴ (۸ نوامبر ۲۰۲۵)، نشست مشترکی میان رهبران چهار حزب، شامل: "جبهه مبارزه خلق فلسطین"، "حزب حکمتیست (خط رسمی)"، "حزب کمونیست کارگری عراق" و "حزب کمونیست کارگری کردستان" برگزار شد، تا آخرین تحولات مربوط به مسئله فلسطین و بیان دیدگاهها و تبادل نظر و راههای حمایت موثر از مبارزه مردم فلسطین و تحکیم روابط میان چهار طرف را مورد بررسی قرار گیرد.

شرکت‌کنندگان در نشست از طرف جبهه مبارزه خلق فلسطین عبارت بودند از:

- رفیق احمد مجدلانی، دبیرکل
- رفیق محمد علوش، عضو دفتر سیاسی
- رفیق جمال خلیل، عضو دفتر سیاسی
- رفیق حکم طالب، عضو دفتر سیاسی
- رفیق حسنی شیلو، عضو دفتر سیاسی
- رفیق لوی باخوری، عضو دفتر سیاسی
- رفیق سامد سوید، عضو دفتر سیاسی

از طرف حزب حکمتیست (خط رسمی):

- رفیق خالد حاجی محمدی، دبیر کمیته رهبری
- رفیق امان کفا، عضو کمیته رهبری
- رفیق محمد راستی، عضو کمیته رهبری

از طرف حزب کمونیست کارگری کردستان:

- رفیق خسرو سایه، رئیس دفتر سیاسی
- رفیق مهدی رسول، عضو دفتر سیاسی

از طرف حزب کمونیست کارگری عراق:

- رفیق سمیر عادل، دبیر کمیته مرکزی
- رفیق فارس محمود، معاون دبیر کمیته مرکزی و عضو دفتر سیاسی
- رفیق همام همام، عضو دفتر سیاسی

در این نشست، موارد زیر مورد بررسی قرار گرفت:

یکم: طرح ترامپ تحت عنوان "توافق در غزه" و اقدامات آن درباره مسئله فلسطین و آینده دولت مستقل فلسطین.

دوم: دیدگاه جبهه مبارزه خلق فلسطین درباره وضعیت سیاسی مناطق کرانه باختری و غزه.

سوم: برنامه کاری مشترک و توسعه روابط میان طرف‌ها و تقویت حمایت از مردم فلسطین.

چهار حزب پس از ارائه دیدگاه‌ها و مواضع خود درباره تحولات اخیر منطقه و سرنوشت مردم فلسطین، متفقا تأکید کردند که هدف اصلی طرح ترامپ، بیرون‌کشیدن دولت اشغالگر اسرائیل از بن‌بست سیاسی و نظامی و از بحران و انزوای بین‌المللی‌ای است که در آن گرفتار آمده است. همچنین تأکید شد که طرح ترامپ پروژه‌ای مخرب برای از بین بردن مسئله فلسطین، جلوگیری از تشکیل دولت مستقل، جداسازی کرانه باختری از غزه و ادامه پروژه آوارگی و پاکسازی، که پیش‌تر تحت عنوان پروژه "ریویرا غزه" از سوی ترامپ برای آوارم‌کردن ساکنان غزه پیشنهاد شده بود.

نشست همچنین تأکید کرد که طرح ترامپ، ماشین جنگی و جنایت‌کارانه ضد غزه را متوقف نکرده است و از سوم اکتبر، زمانی که دولت اشغالگر اسرائیل آغاز عملیات نظامی خود را اعلام کرد، بر اساس اطلاعات موجود ۹۰۰ نفر کشته شده‌اند. افزون بر آن، این طرح چشم خود را بر وضعیت مناطق کرانه باختری بسته است، جایی که روزانه جنایات قتل و تجاوز آشکار علیه مردم غیرنظامی و کشاورزان به‌دست شبه‌نظامیان شهرکشین یهودی انجام می‌گیرد.

شرکت‌کنندگان همچنین بر اهمیت گسترش جنبش جهانی حمایت از مردم

فلسطین و نقش تاریخی آن تأکید کردند و بر لزوم افشای محتوای واقعی و اهداف خطرناک طرح ترامپ پافشاری نمودند. طرحی که دولت‌های غربی می‌کوشند آن را پیش ببرند و همچون وسیله‌ای برای منحرف‌کردن افکار عمومی ناراضی زیر سلطه‌شان و مهار خیزش جهانی‌ای که بسیاری از کشورهای که از اسرائیل حمایت می‌کنند را وادار به پذیرش تشکیل دولت مستقل فلسطین کرده است، به‌کار گیرند.

در این نشست همچنین بر اهمیت اعتراضات و ناراضی‌های مردمی در داخل اسرائیل علیه دولت نتانیاها، به‌ویژه مبارزات کارگران و نیروهای چپ اسرائیل و تأثیر آنها بر مسئله فلسطین تأکید شد. هدف از این تلاش‌ها، تشدید فشار اجتماعی بر جناح راست فاشیست و نژادپرست حاکم است تا در نهایت ناچار به پذیرش حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین و تشکیل دولت مستقل آنان گردد.

در بخش دوم نشست، رفقای جبهه مبارزه خلق فلسطین دیدگاه خود را درباره طرح ترامپ و وضعیت فعلی تشریح کردند و روشن ساختند که آنها از بندهای مربوط به توقف جنگ و کشتار روزانه در غزه با هدف نجات جان مردم حمایت کرده‌اند. این موضع بر پایه ابعاد فاجعه انسانی موجود است که بر اساس داده‌ها، بیش از ۱۰ هزار نفر مفقود شده‌اند. علاوه بر آمار سازمان ملل که مرگ ۶۸ هزار فلسطینی را تأیید کرده است، که ۴۰٪ آنان زن و کودک‌اند، ۱۷ هزار کودک پدر و مادر خود را از دست داده و نزدیک به ۳ هزار خانواده به‌کلی نابود شده‌اند.

در نشست همچنین بر اجرای بندهایی درباره ارسال کمک‌ها به غزه، گشایش گذرگاه‌ها برای انتقال مجروحان و خروج اسرائیل از مناطق اشغالی تأکید شد، بندهایی که جبهه مبارزه خلق فلسطین با آنها موافقت کرده است.

رفیق احمد مجدلانی گزارش مفصلی از تحولات سیاسی در کرانه باختری و غزه ارائه داد و درباره روند اصلاحات و اقدامات عملی برای بنیان‌گذاری دولت فلسطین توضیح داد. وی در این چارچوب به اقداماتی چون تدوین قانون اساسی موقت، تصویب قانون احزاب سیاسی، نظام انتخاباتی و آمادگی برای برگزاری انتخابات در مدت یک سال در تمام مناطق فلسطین و خارج از آن اشاره کرد و افزود که اینها وظایف اصلی مرحله کنونی هستند. او همچنین تأکید کرد که رهبری فلسطین باید اراده خود را بر ساختن دولتی مدرن و مدنی متمرکز کند که حقوق شهروندی و برابری را تضمین کند. بدین‌سان، اصلاحاتی که فلسطینیان بر سر آن توافق کرده‌اند، گامی در راستای اهداف راهی ملی است، در حالی که دولت آمریکا می‌کوشد این اصلاحات را با دیدگاه اسرائیل همسو کرده و تداوم نفوذ و اشغالگری خود را تضمین نماید.

در بخش سوم نشست، چند اقدام عملی مشترک مورد توافق قرار گرفت، از جمله:

- برجسته‌سازی موضع و برنامه مبارزاتی مشترک و بین‌المللی به‌عنوان پشتیبانی از جنبش آزادی‌خواهانه در منطقه.
- انتشار فعالیت‌ها و مواضع مشترک در رسانه‌های هر چهار طرف.
- رساندن سیاست و دیدگاه مشترک به سازمان‌های کارگری، زنان و نهادهای اجتماعی و سیاسی مبارز.
- بهرمگیری از روابط بین‌المللی و جهانی برای تقویت مبارزه مشترک.

در پایان نشست توافق شد که دیدارهای منظم و هماهنگ میان این چهار طرف ادامه یابد، به‌منظور گسترش همکاری عملی و پیشبرد مبارزه برای مسئله فلسطین و دیگر موضوعات آزادی و عدالت اجتماعی در منطقه.

"جبهه مبارزه خلق فلسطین"، "حزب حکمتیست (خط رسمی)"، "حزب کمونیست کارگری عراق" و "حزب کمونیست کارگری کردستان"

۸ نوامبر ۲۰۲۵



سایت رادیو: radioneena.com

کانال یوتیوب: youtube.com/@radioneena60

تلگرام: t.me/RadioNeenna

اینستاگرام: instagram.com/radioneena

فیسبوک: facebook.com/radioneena

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر گردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti1954@gmail.com

سردبیر کمونیست: احمد مطلق

amotlagh28@gmail.com

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)
Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com

صفحات حزب در میدیای اجتماعی

تلگرام: Hekmatistx@

اینستاگرام: instagram.com/hekmatist_official_line

فیسبوک: facebook.com/Hekmatist.ol

سردبیر حکمتیست هفتگی آذر مدرسی

سخنگویان و ایده پردازان بورژوا، مارکسیسم و کمونیسم کارگری را متهم میکنند که مبلغ اعمال قهر و خشونت برای رسیدن به اهداف اجتماعی خویش است. واقعیت اینست که این خود نظام بورژوایی است که از بنیاد بر خشونت سازمان یافته متکی است. خشونت علیه جان و جسم انسان ها، خشونت علیه عواطف و اذهان آنها، خشونت علیه امید و تلاش آنها برای بهبود زندگی و دنیای خویش. نظام کار مزدی، یعنی اجبار هر روزه اکثریت عظیم جامعه به فروش توان جسمی خویش به دیگران برای امرار معاش، سر منشاء و چکیده کل خشونت ذاتی این نظام است. زنان، کارگران، کودکان، سالخورده‌گان، مردم مناطق محروم و عقب مانده تر جهان، هر کس حقی را مطالبه میکند و علیه ستمی بلند میشود، و هر کس و همه کس که در جامعه موجود مهر تعلق به این یا آن "اقلیت" به پیشانی وی کوفته شده است، قربانی مستقیم و هر روزه خشونت عریان نظام موجود است. جنگ و مردم کشی، اساسا در پی رقابت سرمایه ها و قطب های اقتصادی، در این نظام ابعاد خیره کننده ای پیدا کرده است. تکنولوژی سلاحهای انهدام و کشتار جمعی از تکنولوژی تولید به مراتب پیشرفته تر است. زرادخانه بورژوازی در سطح بین المللی برای انهدام چندین و چندباره کل کره ارض کافی است. این نظامی است که سلاح های مخوف اتمی و شیمیایی را عملا علیه توده مردم بکار برده است. و بالاخره علاوه بر همه اینها، جامعه بورژوایی میتواند به پیشرفت های خیره کننده اش در تبدیل جنایت، قتل و تعدی و تجاوز به امری عادی و هر روزه در زندگی عموم مردم، مفتخر باشد.

برنامه یک دنیای بهتر